

تربیت مذهبی فرزندان از دیدگاه جامعه‌شناسی

سیروس فخرایی

مقدمه

جامعه‌شناسی علمی است که به مطالعه زندگی اجتماعی انسان، روابط اجتماعی و چگونگی شکل‌گیری اعمال، رفتارها و کنشهای افراد در جامعه می‌پردازد. استمرار زندگی افراد در جامعه مستلزم وجود نهادهایی است که آنها را به صورتهای گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند. اصولاً کنشهای اجتماعی تحت تأثیر این نهادها قرار می‌گیرند. یکی از مهمترین این نهادها که از ابتدایی‌ترین و قدیمی‌ترین جوامع گرفته تا جوامع امروزی به اشکال مختلف وجود داشته، نهاد دینی است. بوسیله این نهاد، افراد جامعه به تفکر در باره جهان هستی و فلسفه زندگی پرداخته، صاحب ایدئولوژی و جهان‌بینی می‌گردند.

از دیدگاه جامعه‌شناسی، نهاد دینی به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی در فرآیند اجتماعی شدن، ارزشهای مذهبی را در افراد درونی ساخته و موجب تطابق آنها با فرهنگ جامعه می‌گردد. در این مقاله چگونگی تربیت دینی در دوران کودکی و جوانی و تأثیرپذیری از نهادهای اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

تربیت دینی در دوران کودکی و نوجوانی

کودکان از سنین اولیه خود تحت تربیت و پرورش والدین در خانواده قرار می‌گیرند. برای تربیت فرزندان، استنباط و روشن بینی والدین نسبت به تمایلات و علائق آنها الزامی است «شرقی، ۱۳۷۲». در این دوره ارزشهای مذهبی و هنجارهای دینی توسط اعضاء خانواده به طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرزندان منتقل می‌شود. آنان با مشاهده پدر و مادر در حال انجام فرائض مذهبی کنجاوی‌شان برانگیخته می‌شود. مراسمی که در اعیاد مذهبی برگزار می‌شود، بر روی کودکان تأثیر می‌گذارد. در این سنین با توجه به این که «من مفعولی» در کودکان نقش بیشتری بازی می‌کند، آنان پذیرای هنجارها و

نرمهای مذهبی می‌گردند، بدون این که به تفکر و استدلال در مورد آنها بپردازند. بعد از خانواده، مدرسه دومین نهادی است که می‌تواند بر روی کودکان از لحاظ رفتارهای مذهبی نقش بازی کند. با توجه به این که فرآیند اجتماعی شدن که از خانواده شروع شده، مراحل بعدی و تکمیلی خود را از طریق نهادهایی مثل مدرسه ادامه می‌دهد، وجود همسازی میان اهداف خانواده و مدرسه می‌تواند در شکوفایی شخصیت مذهبی دانش‌آموزان نقش ویژه‌ای ایفا کند. اگر میان عملکرد خانواده و مدرسه تعارض وجود داشته باشد، موجبات سرگردانی و بی‌تکلیفی کودکان را فراهم می‌آورد.

دوران کودکی و نوجوانی مهمترین دوره تکوین شخصیت فردی می‌باشد. در این دوره خود کودک با همانندسازی در نقشهایی که ایفا می‌کند و بخصوص بوسیله درونی کردن «دگر عام»^۱ یعنی مجموعه نظام یافته و شالوده‌بندی شده نقشهایی که بدانها وابسته است، رشد می‌یابد «Turner, 1977».

تربیت دینی در دوره بلوغ و نوجوانی

پویش اجتماعی شدن فرزندان در این دوره به صورت گسترده‌ای عمل می‌کند. به لحاظ ارتباطی که علاوه بر خانواده با سایر نهادها و گروهها مثل دوستان و گروه همسالان، هم کلاسان، رسانه‌های ارتباطی و غیره بوجود می‌آید، نوجوانان تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند.

از طرف دیگر رشد سنی و قوای دماغی موجب نقش بیشتر «من فاعلی» در «خود» افراد می‌گردد. به این معنی که افراد در این دوره مثل دوران کودکی فقط منفعل و پذیرای آن چیزی که به آنها ارائه می‌شود، نیستند. بلکه آنها با داشتن بلوغ عقلی به تفکر و اندیشه در باره محیط پیرامون خود می‌نشینند. در این دوره انسان دوست دارد تجارب مذهبی خود را در قالبهای تعقل و استدلال بریزد «جیمز، ترجمه مهدی قائنی، ۱۳۷۲».

در این دوره انسان با به فعلیت رساندن طبیعت خلاق خویش، خود و جامعه خویش را می‌فهمد، دوباره معنی می‌کند و بر اساس آن، کنشها و رفتارهایش را می‌سازد. «تنهایی، پیشین» فرد بالغ نگرشی دوباره به اصول اعتقادی آموخته شده در دوره کودکی داشته، ایدئولوژی، جهان بینی و احکام مذهبی را مورد استدلال قرار

می‌دهد. یعنی به صورت موجودی فعال و آگاه می‌خواهد به شکل‌گیری شخصیت خود پرداخته و آگاهانه و به صورت ارادی عمل نماید. حال اگر در فرآیند جامعه‌پذیری که از سنین اولیه کودکی شروع شده، اخذ هنجارها و ارزشهای مذهبی در شخصیت افراد به صورت اصولی و صحیح انجام گرفته باشد، آنها با درونی شدن آن ارزشها خواهند توانست در درک حقایق و استدلال مسایل دینی موفق باشند. به این ترتیب اصول و احکام دینی در شخصیت و نگرش آنها استحکام بیشتری خواهد یافت. به عبارت دیگر «من مفعولی» کودکان منطبق بر «من فاعلی» آنها خواهد بود. نگرش مذهبی و عمل به احکام دینی را که از کودکی به صورت انفعالی آموخته، در بزرگسالی آگاهانه یا به صورت عقلی می‌پذیرد و به آنها وفادار می‌ماند. به این ترتیب نقش مذهب در شخصیت افراد استحکام پیدا می‌کند.

نقش نهادهای اجتماعی در تربیت مذهبی

نهادهای مختلف اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری به شیوه‌های گوناگون در تربیت و تکوین شخصیت افراد نقش دارند. این نهادها را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد توجه قرار داد. در سطح خرد از جمله نهادهایی که بر روی کودکان و نوجوانان بیشتر موثر واقع می‌شوند، عبارتند از: خانواده، مدرسه، مساجد، آموزش و پرورش و رسانه‌های گروهی. در سطح کلان نظام سیاسی، نظام فرهنگی، نظام حقوقی و نظام اقتصادی می‌توانند شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار دهند.

اگر چنانکه میان همه نهادهای فوق چه در سطح خرد و چه در سطح کلان همخوانی و همسازی در جهت اهداف مذهبی وجود داشته باشد، می‌توانند تأثیر بسزایی روی ساختار شخصیت افراد بجای گذارند. نظریه کنش بر آن است که افراد در جامعه وسایل، شیوه‌های عمل و روشها و ابزارهایی متناسب با هدفهایشان را به کار برند «ریتزر، ۱۳۷۴». اگر نهادهای اجتماعی بتوانند اهدافی را که در تربیت دینی فرزندان انتظار می‌رود، در شخصیت آنها درونی سازند، در این حالت اهداف مذهبی راهگشا و کلید رفتارها، خط مشها و تصمیم‌گیریهای افراد جامعه خواهد بود. اگر هدفها بر اساس هنجارها و قواعد دینی انتخاب شوند، بالطبع وسایل، ابزارها و روشهای اتخاذ شده، نیز در این راستا خواهند بود. نقش هر کدام از نهادهای اجتماعی در این فرآیند

مؤثر و کارساز است.

نقش والدین در خانواده در تربیت اولیه مذهبی فرزندان زیربنایی است، مدرسه بعد از خانواده دومین نقش را ایفا می‌کند. نهاد مدرسه به عنوان فرآیندی است که در آن تجارب آموزشی، نگرشها و موفقیت‌ها یا شکست‌ها جامه عمل به خود می‌گیرد «McNeill, 1986». معلم در ساختن خصال و شخصیت کودکان نقش مهم و مؤثری دارد. «برقی و باهنر، ۱۳۵۸».

اگر اهداف اتخاذ شده در نهادهای مدرسه و خانواده از نظر تربیت مذهبی منطبق بر یکدیگر باشند، مهمترین و اساسی‌ترین عامل در تکوین شخصیت مذهبی دانش‌آموزان به شمار می‌روند. وسایل ارتباط جمعی اعم از رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه‌ها و نشریات از دیگر منابعی هستند که از طریق پیامهای خود در طرز تفکر، رفتار و حرکات کودکان مؤثرند. اگر پیامهای این رسانه‌ها برگرفته از ارزشهای مذهبی جامعه باشد، می‌تواند در راستای تربیت دینی افراد کارساز باشد. اگر پیام صادر شده با محیط پیرامون خود تجانس نداشته باشد، امکان دفع آن بیشتر خواهد بود «ساروخانی، ۱۳۷۱».

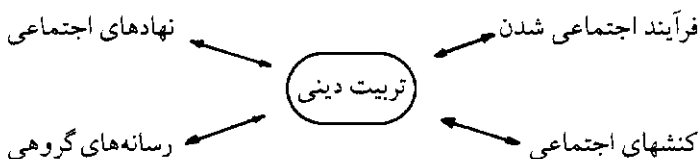
نهادهای کلان جامعه از قبیل نظام سیاسی، نظام فرهنگی، نظام حقوقی و نظام اقتصادی هر کدام در رابطه با تربیت مذهبی افراد نقش دارند. می‌توان گفت که یک رابطه متقابل میان این نهادها و هنجارهای مذهبی وجود دارد. اگر در یک جامعه مذهبی که افراد آن از تربیت سالم دینی برخوردارند، نظام سیاسی در مغایرت با ارزشهای مذهبی قرار گرفته و برخلاف آن عمل نماید، عدم تعادل اجتماعی بوجود خواهد آمد. اگر در یک جامعه مذهبی، نظام حقوقی و قوانین و مقررات آن برگرفته از ارزشهای اعتقادی نباشد، افراد بر اجرای آن قوانین چندان مشتاق نخواهند بود. ممکن است در چنین جامعه‌ای، قوانین و مقررات نیز برگرفته از هنجارهای مذهبی و احکام دینی باشند، ولی اگر نظام فرهنگی حاکم بر جامعه، اجازه اجرای این قوانین را ندهد، باز عدم تعادل اجتماعی نتیجه آن خواهد بود. اگر میان نظام اقتصادی و نظام اعتقادی با ارزشهای مذهبی ناهماهنگی وجود داشته باشد، به طوری که افراد جامعه نتوانند نیازهای معیشتی و اساسی خود را تأمین نمایند، به عدم تعادل اجتماعی منجر شده و کنشهای مردم را تحت تأثیر قرار خواهند داد. پیامبر اکرم «ص» می‌فرماید کسی که

معاش ندارد، معاد ندارد.

به این ترتیب شرط اساسی موفقیت در تربیت مذهبی افراد از دیدگاه جامعه‌شناسی وجود همخوانی و همسازی میان نهادهای مختلف موجود در جامعه از لحاظ اهداف دینی می‌باشد. وجود این همسازی موجب می‌شود که نظام شخصیتی تحت سیطره این نهادها در آمده و در راستای اهداف آنها شکل بگیرد. باید توجه داشت که همه این نهادها و نظامها تحت تأثیر ساخت اجتماعی قرار دارند. ساخت اجتماعی، شبکه‌ای از موقعیت‌ها یا منزلتهایی است که مردم را در ارتباط با یکدیگر قرار می‌دهد (Charon, 1990). فرهنگ، زبان و ارتباط به عنوان عناصر اساسی ساخت اجتماعی هستند که برای فهم کنشهای اجتماعی، شناخت آنها و روابط میانشان ضروری است (Giddens, 1987). نگرش ساختاری، افراد جامعه را به عنوان موجوداتی می‌بیند که تحت تأثیر و نفوذ ساخت اجتماعی قرار دارند که خود آنها نیز جزیی از آن به شمار می‌روند (Morison, 1986).

نتیجه‌گیری

افراد جامعه در طی فرآیند اجتماعی شدن، ارزشها و الگوهای مذهبی را از نهادهای مختلف جامعه فراگرفته و در رفتار و اعمال خود آنها را به کار می‌گیرند. افراد در دوره کودکی به صورت انفعالی و ناخود آگاه متأثر از تربیت مذهبی می‌گردند. در دوره جوانی به صورت آگاهانه و فعال به تفکر و قضاوت در مورد ارزشهای آموخته شده می‌پردازند. برای این که تربیت درست مذهبی بتواند اثر خود را در تمام طول زندگی فرد حفظ نماید، لازم است که از لحاظ اهداف و جهت‌گیریهای مذهبی و روشهای تربیتی میان نهادهای مختلف جامعه همگونی و همسازی وجود داشته باشد. تأثیر عوامل، کنشها و پدیده‌های موجود در جامعه را در تربیت مذهبی افراد می‌توان به صورت زیر نشان داد:



به طوری که ملاحظه می‌شود، میان تربیت دینی افراد جامعه با فرآیند اجتماعی شدن کنشهای اجتماعی، نهادهای اجتماعی و رسانه‌های گروهی رابطه دو طرفه وجود دارد. این پدیده‌ها در عین حالی که تربیت مذهبی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، خود متأثر از آن می‌باشند. وجود همسازی و هماهنگی در جهت‌گیریهای مذهبی موجب می‌شود که افراد جامعه از لحاظ روان شناختی با پیدا کردن شخصیت مذهبی، انسانهایی سالم، فعال و پویا بارآیند و از لحاظ جامعه شناختی از بروز کجرویها و آسیبهای اجتماعی جلوگیری شود.

فهرست منابع

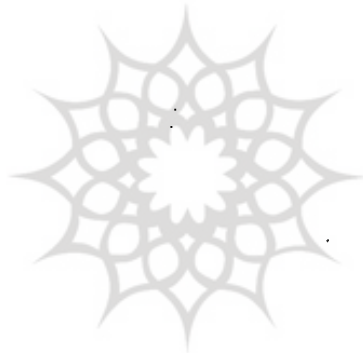
الف) منابع فارسی

- ۱ - باهنر، محمد جواد، برقی، سیدرضا، اصول دین و احکام برای خانواده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- ۲ - توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی، انتشارات سمت، ۱۳۶۹.
- ۳ - تنهایی، حسین ابوالحسن، درآمدی بر نظریه‌های جامعه شناسی، انتشارات خردمند، تهران: ۱۳۷۲.
- ۴ - جمیز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی، شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، چاپ دوم.
- ۵ - ریشه گی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۰، چاپ دوم.
- ۶ - ریتزر، جورج، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- ۷ - ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۱، چاپ سوم.
- ۸ - شرقی، محمد رضا، خانواده متعادل «آناتومی خانواده»، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران: ۱۳۷۲، چاپ دوم.
- ۹ - فرائی مقدم، جامعه شناسی آموزش و پرورش، انتشارت فروردین، ۱۳۷۲.

ب) منابع انگلیسی

- 1 - Ballantine, Jeanne H. The sociology of Education, A Systematic Analysis, prentice Hall, 1989, second edition.
- 2 - Charon, Joelm, The meaning of Sociology, prentice Hall, 1990, third edition.
- 3 - Giddenz, Anthon, Social theory and modern Sociology, Polity press, 1987.
- 4 - Mc Neil, patrick, The Sociology of Schools, Tavistock Publications, 1986.
- 5 - Morison, Murray, Methods in Sociology, Longman, 1986.
- 6 - Turner, Jonathan H. The Structure of Sociological theory, the Dorsey press, 1977.





ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی